

پیام‌های منبر امام حسین علیه السلام

محمد مهدی آصفی

ترجمه: محمد مهدی رضایی

چکیده

«کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». پس از رویداد عاشورا در سال ۶۱ هجری، همواره خون امام حسین علیه السلام و شهیدان کربلا نقش مؤثری در بیداری و آگاهی شیعیان و همه آزادگان در سراسر جهان داشته است. یادآوری عاشورا، هشدار می‌دهد به ستمکاران و زورگویان در طول تاریخ بود و آنان را رسوا می‌کرد. اکنون پس از قرن‌ها، هنوز پیام عاشورا مسلمانان در سراسر جهان را بر ضد حکومت‌های ستمگر می‌شوراند و هراس بر دل آنان می‌افکند. در زمانه دشواری که ما زندگی می‌کنیم و در منطقه پر آشوب خاورمیانه، پیام‌های عاشورا با شوری که در دل‌های عاشقان اهل بیت علیهم السلام ایجاد می‌کند، می‌تواند نقش پررنگی در بیدارسازی و آگاهی بخشی توده‌های مسلمان داشته باشد. از آنجاکه عاشورا، هم فرهنگ است و هم تاریخ، و هم حماسه است و هم فاجعه، منبرهای امام حسین علیه السلام باید وسیله‌ای باشد برای استوارسازی این باورها در میان جوانان جامعه اسلامی که آینده‌سازان سرزمین‌های خود هستند. این مقاله پس از نگاهی گذرا به وضعیت سیاسی دنیای اسلام به‌ویژه خاورمیانه، با برشمردن ده مورد از پیام‌های عاشورا که روحانیون شیعه باید در منبرهای امام حسین علیه السلام در نظر داشته باشند، به نقش این پیام‌ها در جوامع مسلمان امروزی به‌ویژه کشور عراق می‌پردازد.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، کربلا، عاشورا، منبر، عراق.

از سال ۶۱ هجری که بنی‌امیه خون پاک خاندان محمد ﷺ و یاران ایشان را به ناحق بر زمین ریختند، این خون‌ها همواره پیام‌هایی بوده که قوی‌ترین و بیشترین آگاهی و بیداری را برای آحاد مردم در برداشته است.

این پیام‌ها و بیانیه‌های روشن‌گر از آن‌جا آغاز شد که علی بن حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام قهرمان کربلا و زنان اهل بیت علیهم السلام در کوفه فرود آمدند و آن‌گاه به شام و سپس به مدینه برده شدند. پیروان اهل بیت علیهم السلام در عصرهای پس از آن، این پیام‌ها را که هشدار به ظالمان و مستکبران بود و آنها را رسوا می‌ساخت، به میراث بردند و برای بیدار کردن و هدایت مسلمانان و توده‌های مستضعف از آن استفاده کردند.

اما امسال که محرم سال ۱۴۳۶ را پیش رو داریم، پس از قرن‌های متمادی، هنوز هشدارها و پیام‌های حسینی، ظالمان را به هلاکت و نابودی نوید می‌دهد و رسوای‌شان می‌سازد و با قدرت و قوت روزافزون، آگاهی و امید را در جان توده‌های مسلمانان، در سرتاسر دنیا، برمی‌انگیزد و خطبای منبر امام حسین علیه السلام این پیام‌ها را نسل به نسل به رهروان حسینی منتقل می‌کنند.

در اینجا قصد داریم مجموعه‌ای از روشن‌ترین نکات این پیام‌های عاشورایی را برای مسلمانان خاورمیانه و به‌ویژه مسلمانان عراق بیان کنیم. اما پیش از آن، نگاهی گذرا به وضعیت سیاسی دنیای اسلام، به‌ویژه خاورمیانه خواهیم داشت.

پس از فروپاشی حکومت عثمانی، انگلستان و دولت‌های هم‌پیمان آن، طرح و نقشه خاصی

را برای خاورمیانه رسم کردند و خاورمیانه و حکومت‌های شمال و غرب آفریقا را بین خود تقسیم کردند. اما این نقشه سیاسی و استکباری از نزدیک به چهل سال پیش با تکان‌های شدید سیاسی در منطقه روبه‌رو شده است. این که منافع آمریکا (وارث استعمار انگلیسی) و نفوذ سیاسی و نظامی‌اش در خلال این چهل سال با چالش‌های سخت روبه‌رو شود، هیچ قابل پیش‌بینی و انتظار نبود و به ذهن هیچ کس نمی‌رسید؛ اما چنین شد:

انقلاب بزرگ اسلامی در ایران به وقوع پیوست و نظام فاسد پهلوی را برانداخت. حزب‌الله لبنان در کمتر از ده سال، دو بار نیروهای تائب‌ن دندان مسلح اسرائیل را شکست داد. رژیم بعث عراق سقوط کرد و حکومت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی به مردم منتقل شد. توطئه بزرگی که بیش از سه سال و نیم در صدد براندازی حکومت سوریه بود، با شکست مواجه شده و در نهایت به محاصره زمینی و دریایی و هوایی حزب‌الله لبنان و باز شدن درهای ترور و ورود تروریست‌ها از مرزهای سوریه به عراق انجامید. فشارهای آمریکا بر انقلاب مردمی یمن به نتیجه نرسید و همبستگی بزرگ مردم، به پیش‌گامی انصارالله یمن هنوز خیابان‌های یمن را برای اعتراض‌های بدون خشونت در اختیار دارد که هدف آن، مجبور کردن حکومت عبدربه منصور به پذیرفتن خواسته‌های مشروع مردم است. با وجود همه سرکوب‌ها و خشونت‌های آل‌خلیفه در بحرین و کمک‌های همه‌جانبه آل‌سعود، قیام‌ها و حرکت‌های مسالمت‌جویانه مردمی همچنان ادامه دارد و مردم حقوق شهروندی و حق تعیین سرنوشت خود را مطالبه می‌کنند.

خاورمیانه جدید طرحی است که آمریکا برای بازگرداندن نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی خود به منطقه پی‌ریزی کرده و از جمله اهداف آن، برپا کردن حکومت‌ها و قدرت‌های معتدل در مقابل نظام‌های تندرو و افراطی در خاورمیانه است. منظور از دولت‌های معتدل، حکومت‌هایی همچون سعودی و آل‌خلیفه و حاکمان قطر و مانند آن است که طبق خواست و اراده آمریکا عمل می‌کنند و دولت‌های افراطی و تندرو در اصطلاح سیاسی آمریکا به نظام‌هایی گفته می‌شود که نفوذ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آمریکا را نفی می‌کنند و به آن تن نمی‌دهند.

آمریکا برای ساقط کردن حکومت عراق از گزینه‌های مختلفی استفاده کرد، اما هیچ کدام

نتوانست آنچه را دلخواه سردمداران کاخ سفید بود، تحقق بخشد. آخرین گزینه آمریکایی‌ها برای رسیدن به این هدف، وارد کردن گروه تروریستی داعش به عراق و هموار نمودن راه آنان برای اشغال موصل بود.

داعش گروهی تروریستی و افراطی است که در دامان وهابیت رشد کرد و به دام آمریکایی‌ها افتاد. آمریکا برای ایجاد آشوب و اغتشاش و ناامنی در منطقه، داعش را به خدمت گرفت و همه نیازهای تسلیحاتی و غیرنظامی آنها را برآورد. نقش محدود داعش در منطقه، گل آلود کردن آب و وحشت‌آفرینی در مردم و ایجاد فرصت دوباره اشغال عراق برای آمریکا است.

پیام‌های منبر امام حسین علیه السلام

پس از این مقدمه، روشن می‌شود که ما در زمانه‌ای ویژه قرار داریم و موقعیت‌های سخت و دشوار ما را احاطه کرده و در چنین وضعیتی است که به پیشواز ماه محرم می‌رویم؛ ماه خون و قیام؛ ماه فریادهای آگاهی‌بخش و بیدارگر حسینی که خطبا و سخنرانان باید با صدای بلند آن را به مردم ابلاغ کنند و آنان که پای منبر حسینی نشستند، باید بدان گوش فرا دهند. آنچه در پی می‌آید، شرحی است کوتاه بر نکته‌های مهم این پیام.

۱. آگاهی سیاسی

یکی از مهم‌ترین مراحل آگاهی سیاسی برای مردم ما این است که بدانند آمریکا برای درهم شکستن مقاومت و بیداری و قیام این امت و ناکام گذاشتن تلاش آنها برای آزادی از نفوذ و سلطه غرب، چه نقشه‌های خطرناکی کشیده است و چگونه عالم اسلام را به تبعیت سیاسی و اقتصادی و علمی از غرب وادار می‌سازد. ما این آگاهی سیاسی را در همه پایگاه‌های اجتماعی جامعه لازم داریم و این گونه نیست که تنها طبقه نخبه و ممتاز اجتماع به این آگاهی ملزم باشند. در این مرحله همه مردم باید وارد شوند و نقشه‌ها و برنامه‌های آمریکا برای ما و مراحل اجرای آن را بشناسند.

آگاهی‌های سیاسی جمعی، اولاً باعث می‌شود که مردم در برابر چالش‌هایی که در حیات سیاسی خود با آن مواجه می‌گردند، صبر پیشه کنند. ثانیاً ترور و وحشت‌آفرینی و ریختن خون، ما را غافل‌گیر نمی‌کند. ثالثاً این توان را به ما می‌دهد که در صحنه کارزار، بر ادامه مقاومت و استقامت و پایداری عزم خود را جزم نماییم.

۲. تحمل رنج‌ها و شکنجه‌ها

کودکی که حقیقت کار پزشکی را نمی‌داند، هنگام تزریق داروی شفابخش گریه‌وزاری سر می‌دهد و ناشکیبایی می‌کند، اما انسان عاقل و فهیم خود را برای عمل جراحی سنگین قلب به جراح می‌سپارد، بی‌آن‌که اظهار ناراحتی و بی‌تابی کند. بی‌شک، مایه فرق بین این دو عکس‌العمل، آگاهی است.

ما معمولاً هنگام از دست دادن مال و جان و دستاوردهای تلاش خود، اندوهگین و داغدار می‌شویم. با این‌همه در پیمودن راه‌های سخت و به ظاهر غیرممکن بی‌تابی نمی‌کنیم و جلوه‌های دنیایی ما را از ادامه حرکت باز نمی‌دارد. اهل بیت علیهم‌السلام موقعیت‌هایی بس سخت‌تر و خشونت‌بارتر را تجربه کردند و با این‌که می‌توانستند ناشکیبایی کنند، اما چنین نکردند؛ و گرنه کار امت اسلام تمام بود و همه ما زیر چرخ‌های سهمگین تاریخ درهم می‌شکستیم و نابود می‌شدیم.

۳. حضور و موضع‌گیری سیاسی

ما به حضور سیاسی گسترده در عرصه‌ها و موضع‌گیری صریح و روشن در برابر حوادثی که با آن مواجه می‌شویم، نیازمندیم. بی‌تردید عرصه سیاست هیچ‌گاه نمی‌تواند از رهبران و فعالان سیاسی خالی بماند. اگر فرزندان مخلص این سرزمین، با حضور و موضع‌گیری و فعالیت و شعار خود، این عرصه را پُر نکنند، به‌ناچار سودجویان و فرصت‌طلبان امور را به دست می‌گیرند و اهداف خود را تحقق می‌بخشند. ما نمی‌توانیم سنت‌ها و قوانین جاری خداوند در تاریخ و اجتماع را دگرگون کنیم. پس هرگاه بخواهیم این مرحله از تهدیدها

◆ اگر فرزندان مخلص این سرزمین، با حضور و موضع‌گیری و فعالیت و شعار خود، این عرصه را پُر نکنند، به‌ناچار سودجویان و فرصت‌طلبان امور را به دست می‌گیرند و اهداف خود را تحقق می‌بخشند.

و چالش‌ها را پشت سر بگذاریم، باید خود را با سنت‌های الهی در تاریخ و اجتماع تطبیق دهیم و هماهنگ کنیم.

آگاهی از حق به تنهایی برای پیروز شدن کافی نیست؛ بلکه باید در کنار حق، فعالان سیاسی با شور و نشاط به عرصه بیایند. باطلی که در صحنه حاضر و بانشاط باشد، بی‌شک بر حقی که بی‌حرکت و دور از صحنه است، پیروز می‌شود و غالب می‌گردد و این سنت الهی است. سلام و درود خداوند نثار علی بن ابی‌طالب امیر مؤمنان علیه السلام که فرمود: «شما می‌خواهید، اما از شما غفلت نمی‌شود».

اگر ما با تهدیدهای تبلیغاتی و سیاسی و غارت‌گرانه و با خیانت‌ها و مفسد عناصر خود فروخته و فرصت‌طلب مقابله می‌کردیم و راهپیمایی‌های پرشور به راه می‌انداختیم، می‌توانستیم طبق یک داوری عادلانه، مجرمان را به مجازات برسانیم و در این صورت، این حوادث تکرار نمی‌شد و روزه‌روز بر حجم آن افزوده نمی‌شد.

مشکل ما بی‌تفاوتی و مسئولیت‌گریزی و دوری از صحنه و عافیت‌طلبی و خودبینی است. در میان ما افراد صالح و آگاه و آینده‌نگر و فهمیده‌ای وجود دارند که متأسفانه سکوت و خاموشی را برگزیده‌اند. اگر اینان در صحنه حاضر می‌شدند، هرج و مرج طلبان و سودجویان مجال عرض اندام نمی‌یافتند و با بیانیه‌های آشوب‌گرانه، امنیت جامعه اسلامی را بازیچه خود قرار نمی‌دادند.

۴. آمادگی نظامی

آمادگی نیروها و قدرت نظامی، غیر از به کار گرفتن آن است. استفاده از نیروی نظامی هنگام نیاز لازم می‌شود؛ اما آمادگی نظامی در هر زمانی باید وجود داشته باشد؛ چرا که عامل مهمی در بازدارندگی و دور نگاه داشتن جامعه اسلامی از دشمنی دشمنان و توفیق آنها در رسیدن به اهداف ظالمانه است. از این رو خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال ما را به این آمادگی فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «تمام امکانات خود را از نیرو گرفته تا اسب‌های ورزیده، آماده کنید تا به این وسیله دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید و نیز گروه دیگری غیر از اینها را که نمی‌شناسید و خداوند آنها را می‌شناسد. هر چه در راه خدا هزینه کنید به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نمی‌شود».

قرآن کریم علت این ضرورت، یعنی لزوم آمادگی دفاعی و نظامی را چنین بیان می‌کند که صرف داشتن توان و نیروی رزمی، دشمنان خدا و مردم را می‌ترساند و فکر دست‌درازی به مرزهای جامعه اسلامی را از سر آنها بیرون می‌کند.

در موقعیت کنونی ما باید این آمادگی را کسب کنیم و جوانان مؤمن را به مراحل سخت آموزش‌های نظامی برانگیزیم و آنها را برای ورود به معرکه‌های جنگ و جهاد در مواقع لازم مهیا سازیم و دست کم در وضعیت فعلی نمی‌توانیم از وجود آنها به عنوان نیروهای امنیتی رسمی استفاده نکنیم. البته نیروهای امنیتی ما باید براساس اصول علمی و فرهنگی و اعتقادی صحیح بازسازی و تجهیز شوند.

ما به چشم خود دیدیم که جوانان این سرزمین با لیبیک به فراخوان مرجعیت شیعه، چگونه درخواست آیت‌الله العظمی سیستانی (حفظه‌الله) را برای حضور داوطلبانه در جبهه نبرد با داعش پاسخ گفته و داعش را با شکست‌های پی‌درپی مجبور به عقب‌نشینی کردند و این، مایه امنیت و آرامش خاطر مردم مسلمان گردید و البته آمریکا و عاملان و دست‌نشانده‌گان او را به خشم آورد؛ آنها با این که می‌دانستند دعوت مرجعیت اختصاص به شیعه اهل بیت علیهم‌السلام ندارد و فراخوانی برای همه جوانان مسلمان است، اما از نیروهای مردمی به «شبه نظامیان شیعی» تعبیر می‌کردند.



صرف داشتن توان و نیروی رزمی، دشمنان خدا و مردم را می‌ترساند و فکر دست‌درازی به مرزهای جامعه اسلامی را از سر آنها بیرون می‌کند.

۵. آمادگی و اقدام

جنگ و مبارزه ما با آمریکا و دست‌نشانده‌های او به شتاب هر چه تمام‌تر در جریان است و ساده‌لوحی است که کسی تصور کند آمریکا به عراق آمده تا عراق را از دست

داعش نجات دهد. با این وجود، بسیار خطرناک است که انسان بدون آمادگی برای جنگ و رویارویی وارد این معرکه شود؛ معرکه‌ای که فراتر از جنگ در جبهه‌ها، بحران‌های سیاسی را که تبلیغات دشمن به وجود می‌آورد و به خطر انداختن امنیت جامعه و تخریب‌های فرهنگی و اقتصادی و عمرانی را نیز شامل می‌شود.

دفاع امر لازمی است، اما اشتباه است اگر به دفاع اکتفا کنیم و در عرصه مبارزه، از موضع ضعف اقدامی انجام دهیم. ما باید موضع خود را از حالت دفاعی به حالت هجومی تغییر دهیم و دشمنان را به دفاع وادار کنیم و این شدنی نیست، مگر این که در مواجهه و جنگ، حمله و هجوم و اقدام را اختیار کنیم، نه دفاع منفعلانه را.

۶. گسترش فرهنگ عاشورا

عاشورا هم فرهنگ است و هم تاریخ؛ هم حماسه است و هم فاجعه، و اینها همه باید به روشن‌ترین شکل ابراز و بیان شود. تاریخی و بُعد مصیبت‌بار عاشورا در کنار هم، کامل‌کننده یک دیدگاه درست در این باره است. این روز عظیم در تاریخ بشر باید از جهت فرهنگی و حماسی نیز مورد توجه قرار گیرد. حوادث روز عاشورا آکنده از آموزه‌های اصیل فرهنگی و دینی است: فرهنگ توحید و جهاد و امر به معروف نهی از منکر؛ فرهنگ فداکاری و شهادت در راه خدا؛ فرهنگ مقاومت و پایداری؛ فرهنگ ذلت‌ناپذیری و زیر بار ظلم نرفتن و دل برکندن از دنیا؛ فرهنگ شجاعت و اقدام؛ فرهنگ اشتیاق به دیدار خداوند؛ فرهنگ مسلط شدن بر باطل - هر چند سهمگین و عظیم باشد - و مغلوب و فریفته طاغوت‌ها نشدن و برکنار کردن حاکمان جور و رسوا نمودن آنها و کوتاه کردن دستشان از جامعه اسلامی؛ فرهنگ رابطه با خدا و توکل بر خدای متعال و اعتماد به وعده‌های الهی و طلب یاری و پیروزی از طرف خداوند؛ فرهنگ سنت‌های بی‌تغییر الهی در پیروزی و فرهنگ اخلاص و ورزیدن برای خداوند و بسیاری امور دیگر که مجال گفتن آنها نیست.

منبرهای امام حسین علیه السلام باید وسیله‌ای برای بیان این فرهنگ‌ها باشد. این فرهنگ‌ها در صورت رسوخ در فرهنگ و باورهای جامعه، امت و به‌ویژه نسل جوان را از جهت فکری و عقیدتی و نیروی مقابله با دشمن محکم و استوار می‌سازد و امکان مقاومت و پایداری و روحیه پیوند و ارتباط با خداوند و بریدن از تعلقات دنیایی را در آنها زنده می‌گرداند.

۷. مرجعیت دینی و ولایت امر

این دو حقیقت یعنی مرجعیت دینی و ولایت امر برای ما سرمایه بزرگی است که به برکت تعالیم اهل بیت علیهم السلام خدای متعال روزی ما کرده است. اهل بیت علیهم السلام همواره این دو مسئله را به پیروان و شیعیان خود توصیه کرده‌اند؛ چراکه همچون ابزاری قوی می‌تواند در سطحی بسیار متعالی اجتماع و سیاست را به شایستگی‌ها و توانمندی‌های عظیم برساند و مردم مسلمان را برای گذر از گردنه‌های سخت و تحمل حوادث سهمگین و موضع‌گیری‌های اصولی و قاطع کارآزموده و نیرومند سازد.

نخستین عاملی که باعث شده فقهای متصدی مرجعیت و ولایت دینی موقعیتی ممتاز و منحصر به فرد در جامعه و تحولات اجتماعی داشته باشند، این است که این ولایت و مرجعیت، دستاورد عصر و دنیای امروز نیست؛ بلکه میراث مبارک و فرخنده اهل بیت علیهم السلام است که نسل به نسل و در پی رنج‌ها و مرارت‌های طاقت‌فرسا به دست ما رسیده و بیش از پیش در دل و اندیشه مؤمنان رسوخ یافته است.

عامل دیگر در این زمینه، تاریخ درخشان و پاک فقهاست که همواره در صفت نخست مبارزه با اشغال‌گری و فساد و ظلم قرار داشته‌اند و در روزهای سختی و مصیبت و رنج، بی‌هیچ تمایز و تفاوتی، با مردم به سر برده و در میان توده‌های مردم با آنان در مشکلات و گرفتاری‌هایشان هم‌دردی کرده‌اند. شاید به یقین بتوان گفت که این رهبری و پیشوایی دینی وجه تمایز و جدایی پیروان اهل بیت علیهم السلام از دیگر مذاهب اسلامی است که همه مؤمنان در روزهای گرفتاری و بیچارگی به دعوت پیشوایان دینی خود لیک می‌گویند و به آنها اقتدا می‌کنند.

مرجعیت دینی و ولایت امر
برای ما سرمایه بزرگی است
که به برکت تعالیم اهل بیت علیهم السلام
خدای متعال روزی ما کرده
است. اهل بیت علیهم السلام همواره این
دو مسئله را به پیروان و شیعیان
خود توصیه کرده‌اند.

ما امروز در عراق با این شرایط دردآور، بیش از همیشه به این رهبری اسلامی که مردم او را بپذیرند و هر گاه آنها را به یک موضع گیری سیاسی یا فرهنگی یا اجتماعی فراخواند، لبیک بگویند، نیازمندیم و بی شک جایگزینی برای آن نیست. بنده باور دارم که این مرکزیت دینی در زندگی سیاسی و فرهنگی امروز ما بسیار نقش آفرین است و خدای ناکرده اگر رخنه‌ای در آن ایجاد شود، بدیلی برای آن نمی توان یافت. این را هم می دانم که نقشه‌های بزرگی برای تخریب این مرکزیت و ایجاد تزلزل در پایه‌های آن طراحی شده و دولت‌های استکباری عالم و دست‌نشانده‌های آنان، یعنی حاکمان ستم‌پیشه و گروه‌های فریب‌خورده در جامعه، همه دست به کار ضربه زدن به این نهاد شکوهمند و فاخر هستند. با وجود همه این تلاش‌ها برای ناکارآمد نشان دادن مرجعیت دینی و لکه‌دار کردن چهره نورانی آن، شک ندارم که این فقها هستند که خلوص و پاکی دین اسلام را تاکنون حفظ کرده‌اند و سعی نظریه‌پردازان و نویسندگان منحرف در هر عصری برای تحریف این دین، چون با صخره مستحکم فقه و فقاقت برخورد کرده، متلاشی و بی اثر گردیده است.

از این روست که ما از خطبای منبر امام حسین علیه السلام می‌خواهیم چهره حقیقی و نورانی مرجعیت و نقش آن در شرایط خاص و بحرانی را بیش از پیش برای مردم بیان کنند و از مردم بخواهند که به ندای مرجعیت پاسخ گویند و در کنار ایشان، با قوت و قدرت این مرحله سخت را پشت سر بگذارند. همچنین بر منبر امام حسین علیه السلام باید شرایط و ویژگی‌های دقیقی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام برای شخصیت مرجع دینی که مایه امید و اعتماد مردم است، بیان شده، تشریح شود.

۸. فرهنگ‌سازی و تربیت

فرهنگ‌سازی اسلامی، بر چهار پایه استوار است:

الف) تعالیم قرآن و سنت و معارف اهل بیت علیهم السلام. این معارف شناخت خداوند و پیامبران و رسولان و حقیقت انسان و نیز شناخت هستی از چشم‌انداز قرآن و سنت و شناخت زندگی در مجموع روابط اجتماعی و خانوادگی و شناخت دوست و دشمن و دوستی و دشمنی، و شناخت سنت‌های الهی در هستی و تاریخ و جامعه و مانند آن را شامل می‌شود.

ب) پاکسازی اخلاق، که هم شناخت است و هم تربیت. یعنی همچون مورد نخست، فقط

دریافت و ایمان و رابطه قلبی نیست؛ بلکه تهذیب اخلاق با وجود ایمان و اعتقاد قلبی، با عمل و تلاش و تحصیل روحی و معنوی توأم است و از این رو، اسلام به این مسئله به عنوان راهی مؤثر در تربیت و فرهنگ‌سازی اسلامی اهتمام و توجه ویژه دارد.

ج) آمادگی روحی برای ارتباط با خداوند، که همچون تهذیب اخلاق، هم ایمان و اعتقاد قلبی است و هم به دست آوردن و کسب و ریاضت دادن نفس.

د) تفقه در دین و شناختن حلال و حرام و ملزم شدن به حدود و احکام خداوند. این مورد نیز با التزام و عمل و فعالیت توأم است. سازوکار در این مرحله، تقواست که خداوند فراوان به آن فرمان داده و پس از «توحید»، امری جز «تقوا» نیست که قرآن بر آن تأکید ویژه داشته باشد.

منبر امام حسین علیه السلام باید مردم را بر این چهار اساس تربیت و فرهنگ‌سازی دینی و اسلامی کند. این از بزرگ‌ترین مسئولیتی است که گسترش فرهنگ دینی و رسوخ دادن آن در دل و جان مردمان را در پی دارد.

۹. اهتمام و توجه به جوانان

منظور ما از جوانان، دختران و پسرانی هستند که دفاع از وضعیت امروز خود به آنها سپرده شده و ساختن آینده کشور و دفاع از کرامت و استقلال و وطن همه در گروه همت و تلاش و بیداری این گروه زبده و مبارک است. خداوند در بدن‌ها و اندیشه‌ها و نفوس ایشان گنجینه‌هایی از نعمت‌ها و توانایی‌ها را به ودیعه نهاده که روزبه‌روز در حال بروز و فوران است؛ همچون زمینی که از درون آن چشمه‌های پاک و زلال

◆ تهذیب اخلاق با وجود ایمان و اعتقاد قلبی، با عمل و تلاش و تحصیل روحی و معنوی توأم است و از این رو، اسلام به این مسئله به عنوان راهی مؤثر در تربیت و فرهنگ‌سازی اسلامی اهتمام و توجه ویژه دارد.

و شفاف آب بیرون می‌زند و این تا زمانی است که مردم آن آب را آلوده نکنند. اما با ورود آلودگی‌ها، چشمه‌ها فاسد و آب آن تباہ و بیماری‌زا می‌شود و صحت و سلامت انسان را به خطر می‌اندازد. جوانان نیز چنین‌اند و هرگاه عقل‌ها و دل‌ها و اجسام آنها به مثابه گنجینه‌هایی از نعمت‌های الهی، به سبب فرهنگ‌های منحرف، در گِل ولای فساد روحی و رفتاری و مواد مخدر و گرایش به مکتب‌ها و جناح‌های منحرف سیاسی و اعتقادی و فراموشی ارزش‌های دینی و اخلاقی آلوده شود، چنین نیست که تنها موهبت‌های عقلی و روحی و بدنی آنان را از دست داده باشیم؛ بلکه چنین جوانانی به عناصر تخریب و فساد در جامعه تبدیل می‌شوند، و این همان چیزی است که مؤسسات مرتبط با غرب، همچون مؤسسه‌های تبلیغاتی و علمی (دانشگاه‌ها) و مؤسسات فرهنگی و خبری (رسانه‌ها) و مؤسسات اجتماعی جدید و باشگاه‌های ورزشی، آن را پی‌گیری می‌کنند و برای آن برنامه می‌ریزند.

ما در مدتی طولانی متحمل این خسارت و زیان در فرزندان دختر و پسر خود بودیم، تا این که خدای متعال پس از شبی تاریک و دهشت‌زا صبحی روشن را برآورد و جوانان ما که در گذشته قربانی مکتب‌ها و جناح‌های منحرف شده و از اسلام و توحید و تربیت‌های دینی و احکام و ارزش‌های آن گمراه شده بودند، امروز بازگشتی جانانه به اسلام کرده‌اند و مساجد و نمازهای جماعت و جمعه و مجالس دعا و قرآن و خطابه‌های مربوط به فرهنگ دینی و مجالس حسینی از حضور آنان موج می‌زند. سفرهای متعدد عمره و حج خانه خدا مملو از حضور ایشان شده و همه جا ندای لبیک به فراخوان خداوند از سوی ایشان به آسمان بلند است.

چه زیبا و باشکوه است صحنه حضور همین جوانان در مشاهد مشرفه که دستان خود را در برابر ضریح امام علی بن ابی‌طالب و امام حسین علیهما السلام بلند کرده و «لبیک یا علی» و «لبیک یا حسین» می‌گویند و صداقت و عزم خود بر ادامه خط آن پیشوایان پاک را به نمایش می‌گذارند. و امروز همین جوانانند که میدان‌های مبارزه و جهاد با گروه‌های تروریست و مفسد در زمین را پر کرده و دل‌های آنها را از ترس و وحشت آکنده‌اند و با سرسختی و قوت، از زیارتگاه‌های مقدس عراق حمایت و دفاع می‌کنند و باعث احساس امنیت و آسودگی خاطر در مردم و خانواده‌ها می‌شوند.

بنابراین، وظیفه ماست که از این سرمایه‌های بزرگ و ارزشمند برای حال و آینده حمایت کنیم و در حفظ و حراست از آنها بکوشیم. همچنان که آنها جان خود را در دفاع از ما به خطر می‌اندازند و امنیت و مقدسات و کرامت و فرهنگ دینی را پاس می‌دارند، باید مشکلات مربوط به زندگی و کار و درس و ازدواج و مسکن آنها نیز حل شود و برخورداری از زندگانی پاک و کریمانه برای آنها تضمین گردد.

این مسئولیت شرعی، کار یک نفر و یک مؤسسه نیست. اولاً دولت باید اقدام کند و آن‌گاه همه کسانی که می‌توانند به گونه‌ای از عهده این وظیفه برآیند. پرداختن به این مهم در منابر امام حسین علیه السلام و فرهنگ‌سازی و روشنگری و توجه و اهتمام نسبت به جوانان، یکی از وظایف مهم مبلغین است. این عنایت و اهتمام، بسیاری از جوانان این سرزمین را در پای منبر حسینی حاضر می‌کند؛ منبری که مردم آن را به محل دفاع از حقوق خویش و بیان دادخواهی خود و دعوت مسؤلان برای رسیدگی به خواسته‌های خود می‌شناسند.

۱۰. تعامل با دولت و حکومت

منبر امام حسین علیه السلام از همان ابتدا هیچ‌گاه در برابر ظالمان و فساد و تباهی ساکت نبوده و مردم هرگاه می‌بینند که خطیبی با حاکمان ستمگر راه صلح و آشتی پیش گرفته و ظلم آنان را نادیده می‌انگارد، یا آنها را به ناحق مدح و تملق می‌گوید، از او کناره گرفته‌اند و آن خطیب موقعیت خود را در میان مردم از دست داده و منزوی شده است. این میراث منبر حسینی است که از سلف صالح به ما رسیده و باید آن را نگاه بداریم و حفظ کنیم.

در این جا باید درنگ کنیم و اندکی درباره روش صحیح اقامه منبر امام حسین علیه السلام و منبر نماز جمعه، با دولت و حکومت فعلی عراق سخن بگوییم. آنچه بیشتر مورد نظر ماست، تعامل با آن بخشی از حکومت است که مسئولیت اجرای قوانین را به شکل عام بر عهده دارد و نقدها بیش از دیگر نهادهای دولتی، متوجه آن است. برای درک روش صحیح تعامل با حکومت، سه نکته لازم است به توضیح است:

الف) این دولت، میراث‌دار حکومت باندهای قدرتی است که حاکمیت را از دست یکدیگر می‌ربودند و با استفاده از ابزار جنگی و ترساندن مردم در انتخابات و به بازی گرفتن خواست مردم، زمام حکومت را به دست می‌گرفتند. آخرین این احزاب و باندها که سالیان

متممادی بر عراق حکومت راند، حزب بعث بود؛ یک باند قدرت به تمام معنا و به همان مفهومی که در ادبیات اجتماعی و سیاسی عصر ما به کار می‌رود. باند و حزبی که شیوه‌اش برای تحکیم قدرت، هجوم به خانه‌ها و بانک‌ها و مراکز تجاری، و تجاوز به زنان و راهزنی و گرفتن اموال مردم و تجارت مواد مخدر و انجام جرم‌ها و جنایت‌ها و وحشی‌گری‌هایی بود که از شماره بیرون است.

سرانجام خداوند اراده خود را تحقق بخشید و شب تاریک و هراس‌انگیز جای خود را به روز روشن داد و پس از گذشت سی سال غارتگری و پایمال کردن کرامت مردم و فساد و تباهی و زندان و شکنجه و گورستان‌های دسته‌جمعی، به لطف خداوند، حزب بعث ساقط شد. حال پس سال‌ها رنج و عذاب، همه باید توجه داشته باشیم که در برنامه‌های سیاسی خود، دچار کم‌کاری و کوتاهی نشویم تا خدای ناکرده زمینه برای فرصت‌طلبان و منافقان فراهم نگردد.

در طول تاریخ عراق، از عصر بنی‌امیه تا سقوط حزب بعث، دولت فعلی یک نمونه نادر و بی‌همتاست و اولین بار در تاریخ عراق است که مردم به خیابان‌ها می‌آیند و خود، نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند و از این طریق رؤسا و اعضای دولت را طبق قانون برمی‌گزینند. این یعنی حکومت و تصمیم‌گیری‌های آن به مردم منتقل می‌شود و مردم احساس می‌کنند که با اختیار و انتخاب خود، سرنوشت خویش را رقم می‌زنند.

امروز این خواست تاریخی مردم عراق، برای همه، چه شیعه و چه سنی، به صورت نسبی و نه کامل تحقق یافته، ولی متأسفانه می‌بینیم دولت کنونی از سوی کسانی که تأثیر کلام را درک نمی‌کنند، مورد نقدهایی قرار می‌گیرد که بیش از آن که جنبه خیرخواهی و نصیحت داشته باشد، تخریبی و براندازانه است. من این را در حالی می‌گویم که خود در همین فضا زندگی می‌کنم و نقص و کاستی‌های عمده و از سر اشتباه و نقاط ضعف و رخنه‌های فراوان در ساختار این دولت را نیک می‌شناسم و می‌دانم که وضعیت در واقع چگونه است. اما این همه نباید باعث شود که ما در تعامل با این دولت از نقد سالم و درست، به نقدهای تخریبی روی بیاوریم و ناخودآگاه از سخنان و حرکات مرموز و سؤال‌برانگیز حمایت کنیم. باید کاملاً متوجه باشیم که با وجود همه خطاها و نقطه‌ضعف‌ها، فکر جایگزین شدن دولتی

به جای این دولت، نتیجه‌ای جز بازگشت حاکمیت احزاب و باندهای قدرت پیشین ندارد. ما در زمانه و موقعیت بغرنجی زندگی می‌کنیم و باید با این دولت و حکومت از سر حکمت و خرد تعامل نماییم و این نشانه انفعال و کوتاه آمدن در مقابل خطاها و کمبودها نیست، که این کار در دین خدا حرام است و امر به معروف و نهی از منکر یک واجب شرعی است که نباید در آن اهمال و کوتاهی کرد. اما همه موضع‌گیری‌های ما باید براساس عقل و حکمت باشد تا به دشمنان اسلام و عراق فرصت ندهیم برنامه‌ها و قوانین سیاسی ما را تخریب و به طور کامل از درجه اعتبار ساقط کنند.

اکنون آمریکا در مسئله حاکمیت عراق، خود را در مقابل کار انجام شده می‌بیند و ناچار است از این منظر با حکومت فعلی تعامل نماید. بی‌شک دولت عراق هرگز در پی راضی نگاه داشتن آمریکا و عمل بر طبق خواست او نیست. آمریکا حکومتی را می‌پسندد که در برابر نفوذ و سلطه‌اش مطیع و رام باشد و هیچ صورتی برای او بهتر از بازگشت حکومت‌های حزبی و باندی در عراق نیست.

ب) سهم‌خواهی و شراکت در عراق، چیزی است که وجود دارد و حکومت نمی‌تواند آن را نادیده انگارد. این سهم‌خواهی متأسفانه در عراق براساس قومیت‌گرایی و طایفی‌گری شکل گرفته و گاه در محدوده یک خط و یک طایفه خود را نشان می‌دهد. بی‌شک عناصر گزینش‌های درست و تصمیم‌گیری‌های به‌جا در بیشتر حالات یکجا به دست حاکمیت نیست و این نتیجه طبیعی گرایش‌های قومی و قبیله‌ای موجود در سرزمین عراق می‌باشد. امروز بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌های خوب و درست، به سبب همین چالش‌ها و برخوردهاست و حکومت خود را ناچار به کنار آمدن با آنها می‌بیند. این سخن از باب توجیه عملکردهای خطا در حکومت نیست؛ بلکه واقعیتی است که همه با آن آشنایند.

ج) همچنان که گفتیم، حاکمیت خطاها و کاستی‌ها و نقاط ضعفی دارد که هیچ قابل توجیه نیست و برخی عناصر فاسدی که از دوران حکومت بعث در وزارت‌خانه‌ها و مراکز تصمیم‌گیری بر جای مانده‌اند، هنوز بر سر کارند. حکومت باید با اندیشه و جدیت با آنها برخورد کند و نسبت به درمان بیماری‌های اداری که میراث نظام بعث است، سستی و سهل‌انگاری نرزد.

با توجه به این سه نکته مهم که شرح دادم، معتقدم که روش صحیح تعامل منبر امام حسین علیه السلام و منبر نماز جمعه با حکومت فعلی عراق باید با عنایت به آنچه گفته شد، انجام گیرد. پس درست نیست که حساب سیاست سهم خواهی قومی و طایفه‌ای و گرایش‌ها و چالش‌هایی را که در تشکیل حکومت دخیل است، از حساب موقعیت‌های سخت حاکمیت فعلی جدا کنیم یا نقد و ایراد به دولت را تا حد رسواگری و براندازی و تخریب پیش ببریم؛ چه در مواردی که نقد صحیح است، یا صحیح نیست. از سوی دیگر در مورد خطاهایی که حکومت مرتکب می‌شود و اکنون وجود دارد، نباید ساکت ماند. خدای متعال از ما می‌خواهد که امر به معروف و نهی از منکر کنیم و مراقب اعمال حاکمیت باشیم و بدون تأثیرپذیری از کانال‌های تبلیغاتی فاسد، رویکرد خود را از نقد خیرخواهانه، به نقد تخریبی که امروز از سوی بعضی مراکز شایع است، تغییر دهیم.

از خداوند می‌خواهم که این منبر حسینی را که ندای حق سر می‌دهد و مدافع اسلام و حقوق مردم و مقاومت در برابر ظالمان و پاس‌دار پاکی شریعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله است، برای ما نگاه بدارد. والحمد لله رب العالمین.